



محمدرضا حکیمی

تداوم نگاه تفکیکی در کتاب

الهیات الهی و الهیات بشری

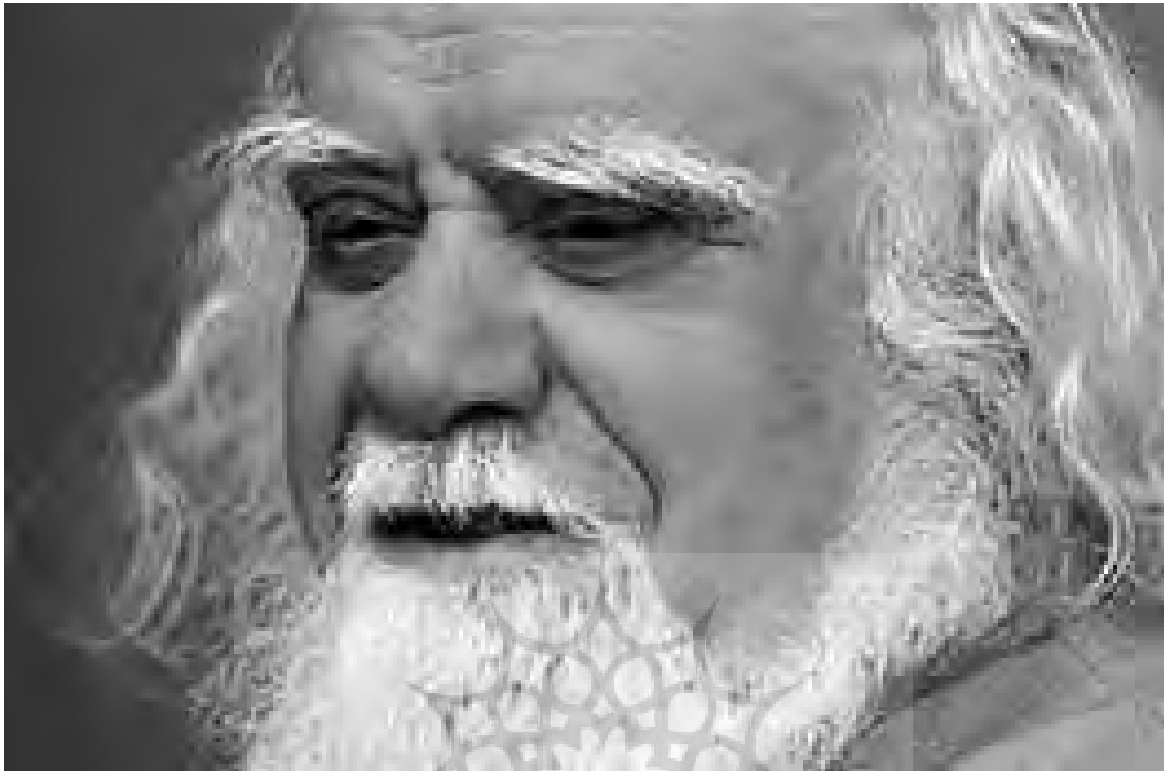
الهیات الهی و الهیات بشری، کتابی است که از نظر محتوا و پیام، در ردیف سایر آثار تفکیکی استاد حکیمی قرار می‌گیرد. این آثار عبارتند از: مکتب تفکیک، مقام عقل، اجتهاد و تقلید در فلسفه، معاد جسمانی در حکمت متعالیه و پیام جاودانه.

هدف اصلی این اثر، طرح، تبیین و دفاع از «نظریه تفکیک» است. به عبارت دیگر می‌توان آن را ادامه و تثبیت تفکر تفکیک بین قرآن و فلسفه و عرفان دانست. مؤلف اثر خود را با بخشی به نام «اعلام موضع» آغاز نموده و در آن چنین می‌گوید: «معارف قرآنی، و علوم محمدی، و تعالیم اوصیایی، یعنی: «مکتب قرآن و اهل الذکر» (فاسئلوا اهل الذکر)، یا به تعبیر دیگر: «مکتب ثقلین» (انی تارک فیکم الثقلین)، در ذات خویش، و با اصول و مبانی خویش، همه گونه استقلال مبنایی دارد، و از کمال انسجام و غنای معارفی و استحکام ساختاری تام برخوردار است (اگر چه بصورت کامل - تاکنون - عرضه نشده است) و این مکتب، در چرخه‌های گوناگون زمان، و در هر جای جهان، از هر مکتب و مذهب، و فکر و نحله، و فلسفه و عرفان (از قدیم و جدید - شرق و غرب) بی‌نیاز است؛ و به هیچ کمکی و تکمیلی و التقاطی و ترمیمی (که خود مایه نقص و ننگ است) نیازمند نیست».

استاد حکیمی در فصل مذکور، از برخی انتقادات و تأییدهایی که از جانب سایر اندیشمندان درباره مکتب تفکیک ارائه شده گزارشی اجمالی بدست می‌دهند و روند مقبولیت و رواج این نظریه را در میان

الهیات الهی و الهیات بشری،
محمدرضا حکیمی، قم: دلیل
ما، چاپ اول، ۱۳۸۶.





درباره عظمت قرآن و معارف قرآن و دور باشی است از آمیختن این معارف راستین، با سخنان این و آن، و نظرهای گوناگون متفکران و بکار بردن رأی شخصی (فلسفی، عرفانی، اعتقادی، تربیتی، سیاسی، محیطی، اقتصادی و...) در برابر قرآن، و نهیبی است بر فاصله‌گیری و فاصله‌گیران از فضای خاص معارفی قرآن کریم و بی‌توجهی عجیب به «حکمت قرآنی». و چون نیک بنگرید، و با اندیشیدن، در جمله جمله، و به «نهج-البلاغه» و گوینده آن معتقد باشید، می‌بینید که فضای همه این سخن‌ها و هشدارها - که هنوز در نهج‌البلاغه بسیار است - فضای جدا کردن معارف قرآن محمدی است، از هر چه غیر از قرآن و تعالیم قرآنی است. و این همان دعوت اصلی «مکتب تفکیک» است.

مطلب اصلی کتاب تحت عنوان «عقل بیدار» و در قالب ۱۴۰ شماره و با تفصیل به محضر خوانندگان ارائه می‌شود. خلاصه شماره اول یعنی «عقل، حجت درونی»، بدین ترتیب است:

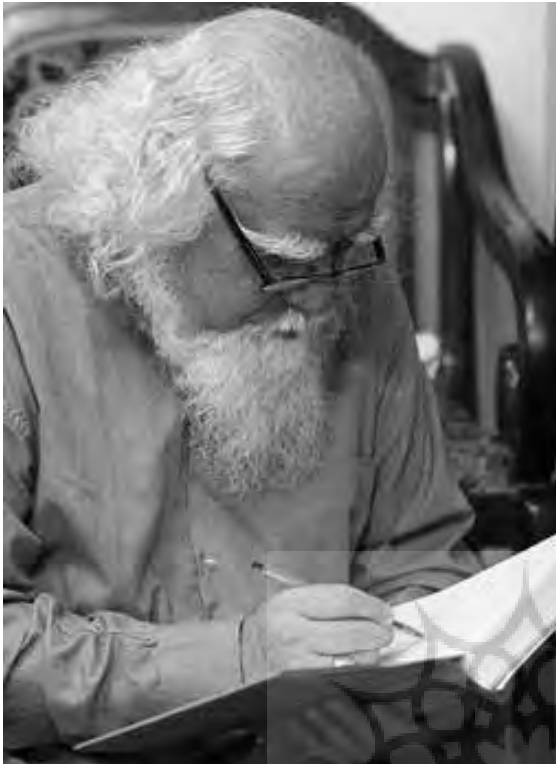
«مکتب تفکیک، با شناخت «عقل»، بعنوان «حجت درونی»، و با دو مشعل هدایت ربّانی («عقل خود بنیاد دینی» و «وحی تنزیل نهاد الوهی»)، در اوج عقلانیت و حیوانی، و حکمت خدشه‌ناپذیر قرآنی، به سوی بالاترین مقامات معارف و مراحل شناخت حقایق (نفس الامرها)، و رشد آفرین‌ترین اقدامات و اعمال

دانشمندان و سایر اقشار مردم، رو به رشد و امیدوار کننده می‌دانند و نمونه‌هایی از این تأییدها و تشویق‌ها را که تاکنون از سوی صاحب‌نظران ابراز شده، از زبان و قلم ایشان با عناوین ذیل نقل می‌کنند:

«أ- مقاله‌ای حکیمانه؛ ب- خواندنی‌ترین کتاب؛ ج- دایره-المعارف؛ د- بسیار محققانه؛ ه- کاری شایسته؛ و- مقاله‌ای هدایتگر؛ ز- حقایقی که باید سال‌ها پیش گفته می‌شد؛ ح- یکی از اصیل‌ترین جریان‌های علوم اسلامی؛ ط- رازی نهفته؛ ی- ضرورت معرفی «مکتب تفکیک»؛ یا- قرآن و روایات معتبر، در معارف، چه دارند؟؛ یب - مکتب تفکیک، پیشگام استقلال معرفت‌شناسی دین، پاکیزه‌جانان بسیاردان؛ ید - عق خودبیناد دینی؛ یه - اسوه اعلاى ادب نفس و ادب درس».

در دو بخش دیگر کتاب یعنی «حکمت قرآنی» و «تأکید معصوم بر تفکیک»، به آیات و روایاتی که ناظر بر عظمت و اصالت مکتب وحی و اهل بیت (ع) می‌باشند، اشاره می‌شود. سپس در قسمتی دیگر که آنرا «ستیغ أنوار» می‌نامد، مبحث «نهج‌البلاغه و تفکیک» را پیش کشیده و در ابتدای آن می‌گوید:

«برای تیمّن و تبرک» و «حسن مطلع»، در آغاز این کتاب (که هدف اصلی آن بیدارگری است)، سخنانی بیدارگر، آموزنده و سازنده، از حامل علوم قرآنی، باب مدینه علم نبوی، ستیغ أنوار، أطوار تحقیقی أسرار، حضرت إمام أميرالمؤمنین، ابوالحسن علی بن ابیطالب (ع) می‌آوریم. این سخنان هشدرای است



ارائه مطالب این کتاب را در موارد ذیل برمی‌شمارد:

«برای پی‌جویان خودسازی عقلی و عقیدتی؛ برای سوق دادن افکار به سرچشمه زلال علم و معرفت و اقدام و حماسه؛ برای بازگشت راستین به قرآن؛ برای تجدید حیات مسلمین (همه)؛ و مواردی دیگر.»
گفتنی است کتاب الهیات الهی و الهیات بشری، در واقع دو مجلد پیش‌بینی شده است که جلد اول آن - کتاب حاضر - تحت عنوان فرعی «مدخل» و جلد دوم نیز، با عنوان «نظرها» به‌زودی به پیشگاه اهل علم و تحقیق عرضه خواهد شد. |

فردی و اجتماعی، در همه تاریخ، و با تأکید قاطع بر حکومت عدل و اجرای عدالت، و با توجه عمیق به تجربه‌های بی‌سابقه، در شناخت عالم، که قرآن کریم یادآوری کرده است، اوج می‌گیرد. و معتقدان به این مکتب - که آن را بشناسد. و براستی بدان عمل کنند - بالاترین و ارزشی‌ترین خلق جهان (و اَنتُم الْأَعْلَوْنَ - این کنتم مؤمنین) خواهند بود.»

از دیگر شماره‌های مهم این کتاب می‌توان به شماره ۱۰۲ موسوم به «پیام اصلی مکتب تفکیک» اشاره کرده که قسمتی از آن بدین شرح است:

«پیام اصلی مکتب تفکیک، دعوت به اجتهاد در منابع اسلامی، به منظور استنباط عقاید حقه دینی (و شناخت تألهی کائنات پهناور)، و خارج کردن قرآن و حدیث از نیازمندی به غیر خود، و از مهجوریت در حوزه اعتقادات و شناخت‌هاست.»

و اندکی جلوتر می‌افزایند:

«باید معارف اعتقادی اسلام بویژه اساس و اصول آن، مستند به متون اسلامی باشد نه مأخوذ از بیگانگان و متعلق به ۵ هزار سال پیش، و همه کهنه و بیشتر، ابطال شده، میزان شناخت هم، دو حجت باطن و ظاهر است. و هر «ایده‌ای» از هر کسی که باشد، اگر مطابق با «میزان» بود مطلوب است، و إلا باید تصحیح گردد.»

در اواخر کتاب، اشعاری از مؤلف که به زبان عرفی و فارسی سروده شده‌اند مشاهده می‌شود، به نام‌های «قصیده تفکیکیه» و «طالع طوس».

چند بیت از آن‌ها بدین قرار است:

دو بیت از قصیده تفکیکیه:

علوم الناس کلهم هباء
سوی ما علقمه الانبیاء
حقایق اودعوا فی کهوف
لتکشف عن ملأها الأوصیاء

و چند بیت از «طالع طوس»:

بهر هر کس به جهان، بهره حیوانی

نیست

این گهر جز به کف «عالم ربانی» نیست

وحی از بهر نبی پرده اسرار گشود

این سخن جز قیس طور «نبی»، خوانی

نیست

چون گدایان به در خانه اعیار مرو

ای مسلمان مگرت غیرت ایمانی

نیست؟

سرانجام این کتاب در شماره ۱۳۶، که «الهیات الهی و الهیات بشری» نام می‌گیرد، به کار خود پایان می‌بخشد و مؤلف، نیت و علت